

اصول کاربردی حاکمیت شرکتی

محمد جواد ایروانی^۱، سعید ویسی زاده^۲، محمود سالاری^۳

mhd@iravani.com
Saeedveisi@gmail.com
Salari_mahmoud@yahoo.com

چکیده

در این مقاله ما به بررسی ضوابط لازم برای اجرای حاکمیت شرکتی می پردازیم. حاکمیت شرکتی یک مجموعه روابطی است بین سهامداران، مدیران و حسابرسان شرکت که متضمن برقراری نظام کنترلی به منظور رعایت حقوق سهامداران جزء و اجرای درست مصوبات مجمع و جلوگیری از سوء استفاده‌های احتمالی می‌باشد این قانون که مبتنی بر نظام پاسخگویی و مسئولیت اجتماعی استوارست مجموعه‌ای از وظایف و مسئولیت هایی است که باید توسط ارکان شرکت صورت گیرد تا موجب پاسخگویی و شفافیت گردد.

در حال حاضر سهامداران جزء هیچگونه ابزاری جهت نظارت بر مدیران و حتی اطلاع از مصوبات هیأت مدیره و دسترسی به صورتهای مالی به طور کامل ندارند در حالی که در آئین‌نامه شرکتی پیش‌بینی شده که شرکتهای بورسی (که مشمول آئین‌نامه حاکمیتی شرکتهای می‌شوند) باید دارای پایگاه اطلاع‌رسانی الکترونیکی باشند و کلیه اخبار و امار و اطلاعات مالی را به موقع در اختیار همه سهامداران بگذارند و در هیأت رئیسه مجمع و همچنین در هیأت مدیره شرکت نیز از بین سهامداران جزء نیز نماینده

^۱ عضو هیئت علمی مرکز آموزش عالی امام خمینی (ره)

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت مالی دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت مالی دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

وجود داشته باشد تا احتمال تخلف کسر گردد علاوه بر آن حاکمیت شرکتی در واقع به نوعی محدودیت برای سهامداران عمده و دسترس سهامداران جزء به اطلاعات و اعمال کنترل مدیریت می‌باشد. مزایای آئین‌نامه حاکمیت شرکتی شفاف سازی اطلاعات، رعایت یکسان حقوق صاحبان سهام، برقراری سیستم کنترل های داخلی و ارتقای رابطه حسابرسان مستقل با شرکت می‌باشد.

واژه های کلیدی: حاکمیت شرکتی، اصول OECD¹، سازمان توسعه و همکاری اقتصادی

مقدمه

بررسی متون متعدد و معتبر نشان می‌دهد که اولین و قدیمی ترین مفهوم عبارت حاکمیت شرکتی، از واژه لاتین *Gubernare* به معنای هدایت کردن گرفته شده است. بی شک یکی از با اهمیت ترین تحولات جهان صنعتی در قرن هجدهم، ظهور شرکت های سهامی و تفکیک مالکیت از مدیریت بود. در نتیجه ی این تحولات، شرکت های سهامی محل تجمع منافع ذینفعان در شرکت ها، شامل سهامداران، مدیران، اعتبار دهندگان، کارکنان و سایر ذی نفعان شد و در پی آن بازار مالی سازمان یافته در اکثر کشور ها به وجود آمد. اشخاص حقیقی و حقوقی، سازمان ها، موسسات اعتباری و دولت عرضه کنندگان سرمایه در بازار مالی را تشکیل می دهند. جذب و تجمع پس انداز ها و هدایت آن ها به سوی سرمایه گذاری های کوتاه مدت و بلند مدت از اهداف اصلی این بازار ها است. برای کارایی این بازارها، تشویق مشارکت عمومی و حمایت قانونی از تأمین کنندگان سرمایه ها ضروری است و این موجب رونق اقتصادی و گسترش فرهنگ سهامداری در اکثر کشور ها شده است. با این همه وجود تضاد منافع بین ذی نفعان در شرکت ها، مشکلات متعددی هم چون مشکلات نمایندگی را به همراه داشته و بحث های متعددی را موجب شده که موضوع حاکمیت شرکتی از اصلی ترین آن ها است. هدف اصلی قانون حاکمیت شرکتی شفاف سازی و پاسخگویی در بازار سرمایه می باشد لذا چنانچه در کشوری به موضوع پاسخگویی و شفافیت توجهی نشود و یا اساساً موضوع حکمرانی خوب مطرح نباشد آئین نامه حاکمیتی شرکتها کارساز نخواهد بود چون ساز و کار حاکمیت شرکتی برخورد جدی با تخلفات شرکتها و مدیران آنها می باشد. همان طوری که یک دولت باید پاسخگویی اعمال خود به شهروندان باشد یک شرکت هم پاسخگویی عملکرد خود به سهامداران، مشتریان، کارکنان و بطور کلی عموم مردم باشد و بر همین اساس چون مدیران شرکتها مسئولیت مستقیم پاسخگویی را عهده دار هستند باید اطلاعات خاصی را برای پاسخ خواه به موقع فراهم نمایند. صندوق بین‌المللی پول (IMF) و سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (OECD) در سال 2001 حاکمیت شرکتی را چنین بیان کرده اند ساختار روابط و مسئولیتها در میان یک گروه اصلی شامل سهامداران، اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل برای ترویج بهتر عملکرد رقابتی لازم جهت دستیابی به هدفهای اولیه مشارکت، تعریف های تریگر (1984)، مگینسون (1994) و رابرت مانگز و تل مینو (1995) که به گروه بیشتری از ذینفعان تأکید دارند، از مقبولیت بیشتری نزد صاحبان نظر برخوردارند. تعریفهای گسترده‌تر نشان می‌دهند که شرکتها در برابر کل جامعه نسلهای آینده و منابع طبیعی مسئولیت دارند. در این دیدگاه، سیستم حاکمیت شرکتی موانع و اهرمهای تعادل درون‌سازمانی و برون‌سازمانی برای شرکتهاست که تضمین می‌کند آنها مسئولیت خود را نسبت به تمام ذینفعان انجام می‌دهند و در تمام زمینه‌های فعالیت تجاری، به صورت مستولانه عمل می‌کنند؛ همچنین، استدلال منطقی در این دیدگاه آن است که منافع سهامداران را فقط می‌توان با در نظر گرفتن منافع ذینفعان برآورده کرد. محرک مهم و برجسته تغییر در اصول حاکمیت شرکتی، فروپاشی شرکتها بوده است، لذا این محرکها تنها محرکهای ایجاد فشار برای همکاری بین‌المللی نبوده‌اند. طی دهه اخیر تعدادی از آژانسهای بین‌المللی نقش مهمی در ارتقای همکاری و ایجاد سیستم‌های حاکمیت شرکتی مناسب داشته‌اند.

¹ Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)

سازمان توسعه و همکاری اقتصادی OECD اولین نهاد بین‌المللی برای ایجاد گروه‌های کاری بین‌المللی به‌منظور تدوین یک مجموعه استانداردهای پذیرفته شده جهانی حاکمیت شرکتی بود. گروه کاری مزبور متشکل از نمایندگان 29 کشور عضو OECD، کمیسیون اتحادیه اروپا، بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، بانک تجارت و نصیبه بین‌المللی، انجمن کارکنان و سرمایه‌گذاران بود تا از پذیرش و به‌کارگیری آتی این اصول اطمینان حاصل شود. اصول OECD چارچوبی را برای کمک به شرکت‌ها در تهیه و ایجاد یک سیستم حاکمیت شرکتی مطابق با محیط قانونی، سازمانی و مقرراتی خود فراهم می‌کند. اصول ارائه شده غیر تعهدآور بوده و به دنبال صدور نسخه‌ای دقیق برای قوانین ملی نیستند بلکه قصد آن شناسایی اهداف و پیشنهاد روش‌های گوناگون دستیابی به آنهاست. این اصول به عنوان نکات مرجع کاربرد دارند. سیاستگذاران می‌توانند از این اصول در تدوین چارچوب‌های قانونی و نظارتی مالکیت شرکتی متناسب با شرایط اقتصادی، اجتماعی، قانونی و فرهنگی سود جویند و فعالان بازار در تدوین رویه‌های خاص خود از آن استفاده کنند. این اصول ماهیت تکاملی دارند و باید با توجه به تغییرات مهم در شرایط مورد بازمی‌نظر قرار گیرند. در ادامه مقاله به معرفی اصول کاربردی OECD می‌پردازیم.

اصول کاربردی OECD

منظور از تدوین این اصول، کمک به دولت‌های عضو و غیر عضو در ارزیابی و بهبود چارچوب قانونی، نهادی و نظارتی حاکمیت شرکتی در کشورها و ارائه رهنمود و پیشنهادهایی برای بورس‌های اوراق بهادار، سهامداران شرکت‌ها و سایر طرف‌هایی است که در فرایند ایجاد حاکمیت شرکتی مطلوب نقش دارند. گرچه تأکید این اصول بر شرکت‌های بورسی است، اما با این حال آنها می‌توانند تا حدودی برای بهبود حاکمیت شرکتی در شرکت‌های غیر بورسی مثلاً شرکت‌های خصوصی و شرکت‌های دولتی نیز مفید واقع شوند. این اصول مبانی مشترکی ارائه می‌کنند که از نظر کشورهای عضو OECD برای ایجاد رویه‌های مطلوب حاکمیت شرکتی ضروری هستند و به گونه‌ای تدوین شده‌اند که مفید و مختصر، قابل درک و برای جامعه جهانی قابل دسترسی باشند.

سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی و دولت‌های عضو آن بطور رورافزونی به رابطه هم‌افزایی میان سیاست‌های اقتصادی کلان و سیاست‌های ساختاری در دستیابی به اهداف بنیادین پی‌برده‌اند. حاکمیت شرکتی یکی از عناصر اصلی در بهبود کارایی و رشد اقتصادی و همچنین تقویت حس اعتماد سرمایه‌گذاران است. موضوع حاکمیت شرکتی در مورد روابط میان مدیریت، هیأت مدیره، سهامداران و سایر ذینفعان شرکت است. حاکمیت شرکتی همچنین ساختاری را فراهم می‌کند که از طریق آن اهداف شرکت تنظیم می‌شوند و روش‌های دستیابی به آن اهداف و نظارت بر عملکرد تعیین می‌گردند. حاکمیت شرکتی مطلوب باید هیأت مدیره و مدیریت شرکت را به پیگیری اهدافی که به نفع شرکت و سهامداران است ترغیب و نظارت مؤثر بر این روند را تسهیل کند. وجود سیستم مؤثر حاکمیت شرکتی در یک شرکت خاص و تعمیم آن به کل اقتصاد یک کشور، موجب تأمین آن میزان از اعتماد می‌شود که جهت عملکرد مناسب اقتصاد بازار ضروری است.

چارچوب حاکمیت شرکتی به محیط قانونی، نظارتی و نهادی نیز بستگی دارد. به‌علاوه عواملی چون اخلاق کسب و کار¹ و آگاهی شرکت، از عوامل زیست محیطی و مورد علاقه جوامعی که شرکت در آن فعالیت دارد می‌تواند بر حسن شهرت و موفقیت بلندمدت شرکت‌ها اثرگذار باشد. در حالی که عوامل زیادی بر حاکمیت و فرایندهای تصمیم‌گیری شرکت‌ها تأثیر می‌گذارند و برای موفقیت بلندمدت آنها مهم‌اند، تأکید و تمرکز این اصول بر آن دسته مشکلات حاکمیتی است که نتیجه جدایی مالکیت و کنترل هستند. برخی از موضوعات دیگر مرتبط با فرایندهای تصمیم‌گیری شرکت مانند ملاحظات محیطی، ضد فساد² یا اخلاقی نیز مد نظر

¹ Business Ethics

² Ante-Corruption

قرار گرفته‌اند ولی در چند سند دیگر سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی از جمله رهنمودهایی برای شرکت‌های چند ملیتی¹ و پیمان میازره با رشوه خواری مقامات کشورهای خارجی در مبادلات بین‌المللی² و اسناد دیگر سازمان‌های بین‌المللی به تفصیل به آنها پرداخته شده‌است.

روابط میان دست‌اندرکاران در سیستم حاکمیت بر حاکمیت شرکتی تأثیر می‌گذارد. سهامداران کنترلی که ممکن است افراد هدینگ‌های خفوادگی، تشکیل‌دهندگان بلوک³، یا شرکت‌های دیگر که زیر مجموعه یک شرکت مادر هستند یا سهامداران متقابل⁴ باشند می‌توانند تأثیرات قابل توجهی بر رفتار شرکت داشته باشند. در برخی بازارها، سرمایه‌گذاران نهادی به عنوان دارندگان حق مالی بطور روزافزون خواهان حق اظهارنظر⁵ در حاکمیت شرکتی هستند. سهامداران حقیقی معمولاً به دنبال اعمال حقوق حاکمیتی نیستند ولی به برخورد منصفانه⁶ از سوی سهامداران کنترلی و مدیریت اهمیت زیادی می‌دهند. اعتباردهندگان در برخی سیستم‌های حاکمیتی نقش مهمی ایفا می‌کنند و می‌توانند به عنوان ناظران بیرونی عملکرد شرکت بکار آیند. کارکنان و سایر ذینفعان نیز نقش مهمی در موفقیت و عملکرد بلندمدت شرکت دارند و دولت‌ها چارچوب کلی نهادی و قانونی حاکمیت شرکتی را بنا می‌نهند. نقش هریک از این دست‌اندرکاران و تعامل آنها در میان کشورهای مختلف عضو و همچنین غیر عضو تفاوت بسیار دارد.

اصول ارائه شده غیر تعهدآور⁷ بوده و به دنبال صدور نسخه‌های دقیق برای قوانین ملی نیستند بلکه قصد آن شناسایی اهداف و پیشنهاد روش‌های گوناگون دستیابی به آنهاست. این اصول به عنوان نکات مرجع کاربرد دارند. سیاست‌گذاران می‌توانند از این اصول در تدوین چارچوب‌های قانونی و نظارتی مالکیت شرکتی متناسب با شرایط اقتصادی، اجتماعی، قانونی و فرهنگی سود جویند و فعالان بازار در تدوین رویه‌های خاص خود از آن استفاده کنند.

این اصول ماهیت تکاملی⁸ دارند و باید با توجه به تغییرات مهم در شرایط مورد بازبینی قرار گیرند. شرکت‌ها برای حفظ توان رقابتی خود در دنیایی که همواره در حال تغییر است باید به گونه‌ای به نوآوری و تطبیق رویه‌های مالکیت شرکتی خود بپردازند که نیازهای جدید را برآورده سازند و از فرصت‌های تازه استفاده کنند. همچنین دولت‌ها مسئولیت مهمی در ایجاد چارچوب نظارتی مؤثر بر عهده دارند به نحوی که بازارها را از انعطاف پذیری لازم برای کارکرد مؤثر و واکنش به انتظارات سهامداران و دیگر ذینفعان برخوردار سازند. دولت‌ها و دست‌اندرکاران بازار باید با توجه به منافع و هزینه‌های قانونگذاری در مورد چگونگی بکارگیری این اصول در تدوین چارچوب‌های مالکیت شرکتی تصمیم‌گیری کنند.

اصول حاکمیت شرکتی که در ادامه این بخش می‌آیند حوزه‌های زیر را در برمی‌گیرند:

- 1- مناسبت برای چارچوب مؤثر حاکمیت شرکتی؛
- 2- حقوق سهامداران و کارکردهای اصلی مالکیتی؛
- 3- رفتار یکسان با سهامداران؛

¹ Guidelines for Multinational Enterprises

² Convention on Combating Bribery of Foreign Public Officials in International Transaction

³ Bloc Alliances

⁴ Cross Shareholdings

⁵ Voice

⁶ Fair Treatment

⁷ Non-Binding

⁸ Evolutionary

4- نقش ذینفعان در حاکمیت شرکتی؛

5- افشا و شفافیت؛

6- مسؤلیت‌های هیأت مدیره.

در ادامه به بررسی هر یک از موارد بالا و نقش آنها در شرکتها خواهیم پرداخت.

تامین مبنایی برای چارچوب موثر حاکمیت شرکتی

چارچوب حاکمیت شرکتی باید به توسعه بازارهای شفاف و کارآ کمک کند. با حاکمیت قانون¹ سازگار باشد و تقسیم‌بندی مسؤلیت‌ها را بین سازمان‌های مختلف مسؤل²، سرپرستی³، نظارت⁴ و اجرا⁵ به روشنی شرح دهد.

الف) در تدوین چارچوب حاکمیت شرکتی باید به تاثیر کلی این چارچوب بر عملکرد اقتصادی، انسجام بازار⁶، انگیزه‌هایی که برای فعالان بازار ایجاد می‌کند و پیشبرد بازارهای شفاف و کارآ توجه شود.

ب) الزامات قانونی و نظارتی موثر بر رویه‌های حاکمیت شرکتی در هر کشور باید سازگار با حاکمیت قانون، شفاف و قابل اجرا باشد.

ج) تقسیم مسؤلیت‌ها بین سازمان‌های مختلف مسؤل در هر کشور باید به روشنی شرح و بسط داده شود و متضمن خدمت به منافع عمومی باشد.

د) سازمان‌های مسؤل سرپرستی، نظارت و اجرا باید از اختیارات⁷، انسجام و منابع لازم جهت ایفای وظایف خود به صورت حرفه‌ای و بی‌طرفانه⁸ برخوردار باشند. در ضمن احکام آنها باید به هنگام و شفاف بوده و به تفصیل بیان شود.

حقوق سهامداران و کارکردهای اصلی مالکیتی

چارچوب حاکمیت شرکتی باید موجب حفاظت و تسهیل اعمال حقوق سهامداران باشد.

¹ Rule of Law

² Authorities

³ Supervisory

⁴ Regulatory

⁵ Enforcement

⁶ Market Integrity

⁷ Authority

⁸ Objective

الف) حقوق اساسی سهامدار شامل موارد زیر است :

- 1- روش‌های مطمئن ثبت مالکیت
- 2- نقل و انتقال سهام
- 3- دریافت اطلاعات مربوط و با اهمیت در مورد شرکت بطور منظم و به هنگام
- 4- شرکت و رأی دادن در مجامع عمومی
- 5- نصب و عزل اعضای هیأت مدیره
- 6- سهم بودن در سود شرکت

ب) سهامداران باید حق داشته باشند در تصمیم‌گیری‌های مربوط به تغییرات بنیادین در شرکت از جمله موارد زیر شرکت کنند و اطلاعات کافی در مورد آنها دریافت نمایند:

- 1- اصلاحات اساسنامه یا دیگر اسناد حاکمیتی مشابه
 - 2- تصویب انتشار سهام اضافی
 - 3- مبادلات غیرعادی شامل انتقال تمام یا بخش اعظم دارایی‌ها، که منجر به واگذاری شرکت می‌شود.
- ج) سهامداران باید مجال شرکت مؤثر و رأی دادن در مجمع عمومی را داشته باشند و باید از قواعدی چون روش‌های مرسوم رأی‌دهی که در اداره مجامع عمومی بکار می‌روند، آگاهی یابند:

- 1- اطلاعات کافی و به هنگام در مورد زمان، مکان و دستور جلسه مجمع عمومی و همچنین اطلاعات به هنگام راجع به موضوعات مورد تصمیم‌گیری در مجمع باید در اختیار سهامداران قرار گیرد
- 2- سهامداران باید فرصت داشته باشند سوالات و خواسته‌هایشان از هیأت مدیره را مطرح کنند، از جمله در مورد حسابرسی مستقل سالانه سؤال کنند، بخواهند مواردی در دستور جلسه مجمع عمومی قرار گیرد و با توجه به محدودیت‌های معمول پیشنهادهایی ارائه دهند.
- 3- شرکت مؤثر سهامداران در تصمیمات کلیدی حاکمیت شرکتی، مانند نامزدی و انتخاب اعضای هیأت مدیره، باید تسهیل شود. سهامداران باید بتوانند نظراتشان را در مورد سیاست اعطای پاداش اعضای هیأت مدیره و مدیران اجرایی اصلی اعلام کنند. آن بخش از طرح اعطای حق‌الزحمه اعضای هیأت مدیره و کارکنان که متضمن اعطای حقوق مالکانه است باید مورد تأیید سهامداران قرار گیرد.
- 4- سهامداران باید بتوانند چه به صورت حضوری و چه غیابی رأی دهند و آرای اخذ شده در هر دو قالب باید تأثیر یکسان داشته باشد.

د) ساختارهای سرمایه‌ای که موجب می‌شود سهامداران خاصی به میزان کنترلی نامتناسب با مالکیت دست یابند باید افشا شوند.

ه) باید شرایطی فراهم شود که بازارهای محل معامله کنترل شرکت بتوانند به نحو کرا و شفاف عمل کنند.

قواعد و رویه‌های حاکم بر تحصیل کنترل شرکت در بازارهای سرمایه، مبادلات غیرعادی از قبیل ادغام و فروش بخش عمده دارایی‌های شرکت، باید به روشنی تشریح و افشا گردد به گونه ای که سرمایه‌گذاران حقوق و مراجع رسیدگی کننده در این رابطه را بشناسند. مبادلات باید در قیمت‌های شفاف و تحت شرایط متعارف انجام گیرد تا حقوق همه سهامداران به تناسب طبقه حفظ شود.

و) اعمال حقوق مالکیتی سهامداران، از جمله سهامداران نهادی باید تسهیل شود.

1- سهامداران نهادی که در مقام امین عمل می‌کنند باید سیاست‌های کلی خود را در زمینه حاکمیت شرکتی و رأی‌دهی در رابطه با سرمایه‌گذاری خود، افشا کنند. از جمله این موارد افشای روش‌هایی است که برای تصمیم‌گیری در مورد نحوه استفاده از حق رأی بکار می‌برند.

2- سهامداران نهادی که در مقام امین عمل می‌کنند باید افشا کنند که چگونه تضادهای عمده منافع را که بر اعمال حقوق اصلی مالکیتی آنها در رابطه با سرمایه‌گذاریشان تاثیر می‌گذارد را اداره می‌کنند.

ز) سهامداران، شامل سهامداران نهادی، باید بتوانند در مورد موضوعات مربوط به حقوق اساسی سهامداری خود، چنانکه در اصول حاضر تعریف شده‌اند، با یکدیگر مشورت کنند مگر در موارد استثنایی که برای پیشگیری از سوء استفاده در نظر گرفته شده‌اند.

رفتار یکسان با سهامداران

چارچوب حاکمیت شرکتی باید رفتار یکسان با همه سهامداران، از جمله سهامداران اقلیت و خارجی را تضمین کند. همه سهامداران باید این امکان را داشته باشند که در صورت تجاوز به حقوقشان بتوانند نسبت به استیفای آن اقدام کنند.

الف) با همه سهامداران متعلق به یک طبقه باید یکسان رفتار شود.

1- همه سهام داران متعلق به یک طبقه باید حقوق یکسان داشته باشند. همه سرمایه‌گذاران باید بتوانند پیش از خرید اطلاعات مربوط به همه طبقات سهام را دریافت کنند. هر تغییری در حقوق رأی‌دهی باید مشروط به تأیید صاحبان آن دسته سهامی باشد که تاثیر منفی می‌پذیرند.

2- سهامداران اقلیت باید در مقابل اقدامات تجاوزگرانه¹ که از سوی یا به نفع سهامداران کنترلی چه به صورت مستقیم و چه غیر مستقیم انجام می‌پذیرد حفاظت شوند و بابت به وسایل مؤثر جبران خسارت دسترسی داشته باشند.

3- آراء باید به نحوی که مورد توافق صاحب سهم ذینفع باشد توسط مسئول مربوطه یا ناظر داوطلب ثبت شود.

4- موانع رأی دادن از آن سوی مرزها باید حذف شوند.

5- فرآیندها و رویه‌های مربوط به مجامع عمومی باید شرایط لازم برای رفتار یکسان با همه سهامداران را فراهم کند. رویه شرکت نباید ثبت آراء را بی‌جهت مشکل یا پر هزینه سازد.

ب) معامله بر اساس اطلاعات محرمانه و معاملات درونی به قصد سوء استفاده¹ باید ممنوع باشند.

¹ Abusive Actions

ج) اعضای هیأت مدیره و مدیران اجرایی اصلی باید ملزم به افشای منافع یا اهمیت در هر مبادله یا موضوعی باشند که مستقیماً بر شرکت اثر می‌گذارد. خواه این منافع مستقیم، غیرمستقیم یا به نمایندگی از اشخاص ثالث باشد.

نقش ذینفعان در حاکمیت شرکتی

چارچوب حاکمیت شرکتی باید حقوق ذینفعان را که در قانون یا از طریق موافقتنامه‌های دو جانبه برقرار شده به رسمیت بشناسد و همکاری فعال میان شرکت‌ها و ذینفعان را در ایجاد ثروت، شغل و ثبات شرکت‌هایی که از سلامت مالی برخوردارند تقویت کند.

الف) حقوقی که طبق قانون یا براساس موافقت‌های دو جانبه ذینفعان مقرر شده باید محترم شمرده شود.

ب) هرکجا منافع ذینفعان مورد حمایت قانون باشد، ذینفعان باید بتوانند در صورت تجاوز به حقوقشان به دادرسی موثر دسترسی داشته باشند.

ج) مکانیزم‌های افزایش کارایی برای مشارکت کارکنان باید اجازه پرورش پیدا کند.

د) هرکجا ذینفعان در فرایند حاکمیت شرکتی دخالت دارند، باید به اطلاعات مربوطه، کافی و قابل اتکا به صورت به هنگام و منظم دسترسی داشته باشند.

ه) ذینفعان، شامل هر یک از کارکنان یا هیأت‌های نمایندگان آنها، باید بتوانند آزادانه نگرانی‌های خود را در مورد رویه‌های غیرقانونی یا غیراخلاقی با هیأت مدیره در میان بگذارند و حقوق آنها نباید بابت این کار مورد مصالحه قرار گیرد.

و) چارچوب حاکمیت شرکتی باید بوسیله یک چارچوب موثر و کارآی ورشکستگی و همچنین با تاکید موثر بر رعایت حقوق سهامتکاران تکمیل گردد.

افشا و شفافیت

چارچوب حاکمیت شرکتی باید افشای به هنگام و دقیق تمام موضوعات مهم از جمله وضعیت مالی، عملکرد، مالکیت و حاکمیت شرکت را تضمین کند.

الف) افشا باید شامل اطلاعات مهم در رابطه با موارد زیر باشد ولی به آنها محدود نگردد:

1- دستاوردهای مالی و عملیاتی شرکت

2- اهداف شرکت

¹ Abusive Self-Dealing

- 3- مالکیت عمده سهم و حقوق رأی‌دهی
- 4- سیاست تعیین حواله‌نامه اعضای هیات مدیره و مدیران اجرایی اصلی و اطلاعات در مورد اعضای هیات مدیره، شامل شایستگی‌ها، فرایند انتخاب، عضویت در هیات مدیره سایر شرکت‌ها و اینکه آیا از نظر هیات مدیره مستقل هستند یا خیر.
- 5- معاملات با اشخاص وابسته
- 6- عوامل قابل پیش بینی ریسک
- 7- مسائل مربوط به کارکنان و سایر ذینفعان
- 8- ساختارها و سیاست‌های حاکمیت، به ویژه مطابقت هر دستورالعمل یا سیاست حاکمیت شرکتی با فرایند اجرای آن.
- ب) افشای اطلاعات باید مطابق استانداردهای با کیفیت بالای حسابداری، مالی و غیرمالی انجام شود.
- ج) باید حسابرسی سالانه شرکت از سوی حسابرس مستقل، لایق و شایسته انجام شود تا به اعضای هیات مدیره و سهامداران اطمینان عینی و خارجی دهد که صورت‌های مالی وضعیت و عملکرد مالی شرکت را از تمام جنبه‌های با اهمیت به نحو مطلوب نشان می‌دهد.
- د) حسابرسان مستقل باید نسبت به سهامداران پاسخگو باشند و در اجرای عملیات حسابرسی شرکت مراقبت حرفه‌ای لازم را اعمال کنند.
- ه) کانال‌های انتشار اطلاعات باید زمینه را برای دسترسی یکسان، به هنگام و مقرون به صرفه استفاده‌کنندگان به اطلاعات مربوط فراهم کند.

مسئولیت‌های هیات مدیره

- چارچوب حاکمیت شرکتی باید متضمن ارائه رهنمودهای استراتژیک برای شرکت، نظارت مؤثر هیات مدیره بر مدیریت و پاسخگویی هیات مدیره نسبت به شرکت و سهامداران باشد.
- الف) اعضای هیات مدیره باید براساس دریافت اطلاعات کامل، با حسن نیت، جدیت و مراقبت لازم و در جهت حفظ منافع شرکت و سهامداران عمل کنند.
- ب) در صورتی که تصمیمات هیات مدیره بر گروه‌های مختلف سهامداران تأثیرات متفاوتی بگذارد، هیات مدیره باید با همه سهامداران رفتار منصفانه‌ای داشته باشد.
- ج) هیات مدیره باید سطح بالایی از معیارها و استانداردهای اخلاقی را رعایت کند و باید منافع همه سهامداران را در نظر گیرد.
- د) هیات مدیره باید وظایف اساسی معینی را به انجام برساند، از جمله :

- 1- بازبینی و ارائه راهنمایی در مورد استراتژی شرکت، برنامه‌های عمده اقدامات عملی¹، سیاست ریسک، بودجه سالانه و طرح‌های تجاری؛ تنظیم اهداف اجرایی؛ نظارت بر اجرا و عملکرد شرکت؛ و نظارت بر فعالیت‌های عمده در رابطه با مخارج سرمایه‌ای، تحصیل دارایی‌های جدید و حذف فعالیت‌ها.
- 2- نظارت بر مؤثر بودن رویه‌های حاکمیت در شرکت و اعمال تغییرات در موارد مقتضی.
- 3- انتخاب، پرداخت حق‌الزحمه، نظارت و در موارد لزوم، جایگزینی مدیران اجرایی اصلی و سرپرستی برنامه ریزی متوالی².
- 4- پیوند دادن³ روش‌های اعطای حق‌الزحمه مدیران اجرایی اصلی و اعضای هیأت مدیره با منافع بلندمدت تر شرکت و سهامداران.
- 5- تضمین فرایند رسمی و شفاف برای نامزدی و انتخاب اعضای هیأت مدیره.
- 6- نظارت و مدیریت تضادهای بالقوه منافع مدیریت، اعضای هیأت مدیره و سهامداران، شامل استفاده نامناسب از دارایی‌های شرکت و سوء استفاده در انجام معاملات با اشخاص وابسته.
- 7- تضمین سلامت سیستم‌های گزارشگری حسابداری و مالی، شامل حسابرسی مستقل، اینکه سیستم‌های مناسب کنترل به ویژه سیستم‌های مدیریت ریسک، سیستم‌های کنترل مالی و عملیاتی در وضعیت خوبی هستند، و همچنین تضمین رعایت قانون و استانداردهای مربوطه.
- 8- سرپرستی فرایند افشا و ارائه اطلاعات.

ه) هیأت مدیره باید بتواند در مورد امور شرکت قضاوت مستقل و عینی داشته باشد.

- 1- هیأت‌های مدیره باید به تعداد کافی اعضای غیر موظف در هیأت مدیره منصوب کنند که بتوانند در زمینه‌هایی که پتانسیل تضاد منافع وجود دارد قضاوت مستقل ارائه کنند. مثالهایی از چنین مسؤولیت‌های کلیدی عبارتند از تضمین سلامت گزارشگری مالی و غیرمالی، بررسی معاملات با اشخاص وابسته، معرفی نامزدهای عضویت در هیأت مدیره و مدیران اجرایی کلیدی و تصمیم‌گیری در مورد حق‌الزحمه هیأت مدیره.
- 2- در تشکیل کمیته‌های هیأت مدیره، اختیارات، ترکیب و روش‌های کار آنها باید از سوی هیأت مدیره به خوبی تعریف و افشا شود.
- 3- اعضای هیأت مدیره باید بطور مؤثر خود را متعهد به انجام مسؤولیت‌هایشان بدانند.

و) اعضای هیأت مدیره برای ايفای مسؤولیت‌های خود باید بتوانند به اطلاعات دقیق، مربوط و به هنگام دسترسی داشته باشند.

¹ Major Plans of Action

² Business Plans

³ Succession Planning

⁴ Aligning

نتیجه گیری

اصول مورد بحث در این مقاله بر مبنای عناصر مشترک یادشده بنا شده بود و به گونه ای تدوین گردیده بود که تمام مدل‌های مختلف موجود را در بر گرفت. این که شرکت‌ها تا چه میزان اصول اساسی حاکمیت شرکی مطلوب را رعایت میکنند عاملی است که در تصمیمات سرمایه گذاری اهمیت روز افزونی یافته است. جریان های بین المللی سرمایه شرکت‌ها را قادر می سازد برای تامین مالی به مجموعه بسیار بزرگتری از سرمایه گذاران دسترسی یابند. اگر کشورها بخواهند از مزایای بازار جهانی سرمایه برخوردار شوند و سرمایه های کم هزینه بلندمدت را جذب کنند، باید برنامه‌های حاکمیت شرکی آنها معتبر و به خوبی در انسوی مرزها قابل درک بوده و مطابق اصول پذیرفته شده بین المللی باشد. حتی اگر شرکت‌ها اتکای زیادی به منابع خارجی سرمایه نداشته باشند تبعیت از رویه های مطلوب حاکمیت شرکی باعث افزایش اعتماد سرمایه گذاران داخلی می‌شود. هزینه سرمایه را کاهش می‌دهد، موجب تقویت عملکرد خوب بازارهای مالی می‌شود و نهایتاً به ایجاد منابع با ثبات تر تامین مالی می‌انجامد. هیچ مدل منحصر به فرد حاکمیت شرکی مطلوب وجود ندارد، با این وجود پژوهش‌های انجام شده در کشورهای عضو و غیر عضو و در سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی منجر به شناسایی عناصر مشترکی شده اند که زمینه ساز حاکمیت شرکی مطلوب هستند.

منابع :

1. Ahmad K. Islamic finance and banking: the challenge and prospects. *Review of Islamic Economic* 2000;9:57-82.
2. Claessens, Stijn, Djankov, Simeon & Lang, Larry H.P, (2000) The Separation of Ownership and Control in East Asian Corporations, *Journal of Financial Economics*, 58: 81-112.
3. Monks, Robert A.G. and Minow, Nell, *Corporate Governance* (Blackwell 2004) ISBN.
4. Ali AJ. Islamic perspectives on management and organization. Cheltenham: Edward Elgar; 2005. p. 52. Accounting Conference (INTAC) III: 2006.
5. Chapra UM. *Islam and the economic challenge*. Leicester (UK): The Islamic Foundation; 1992.
6. OECD (1999, 2004) *Principles of Corporate Governance* Paris: OECD/OECD Anti-Bribery Convention".
7. http://www.OECD.org/department/0,2688,en_2649_34859_1_1_1_1_1_1,00.html. Retrieved on 2008-07-26
8. Morck R. *A history of corporate governance around the world*. The University of Chicago Press; 2005.
9. Anderson, D. W. and Melanson S. J. and Maly J. (2007) The Evolution of Corporate Governance: power redistribution brings boards to life, *Corporate Governance*, 15(5), 780-797.
10. Anderson, D. W., Krajewski, H. T., Goffin, R. D. and Jackson, D. N. (2008) A Leadership Self-Efficacy Taxonomy and its Relation to Effective Leadership Behavior, *Leadership Quarterly*, in press.
11. Aguilera, R. V., Williams, C. A., Conley, J. M. and Rupp, D. E. (2006) Corporate Governance And Social Responsibility: A Comparative Analysis of the UK and the US, *Corporate Governance – An International Review*, 14(3), 147-158.
12. Finegold D. and Benson G. S. and Hecht D. (2007) Corporate Boards and Company Performance: review of research in light of recent reforms, *Corporate Governance*, 15(5), 865-878.
13. Mackenzie C. (2007) Boards, Incentives and Corporate Social Responsibility: the case for change of emphasis, *Corporate Governance*, 15(5), 935-943.

14. Pearson, R. and Altman, K. (2006) Hedge Funds and Shareholder Activism, *The Corporate Governance Advisor*, 14(3), 25-27.
15. Schmidt, S. L. and Brauer, M. (2006) Strategic Governance: How to Access Board Effectiveness in Guiding Strategy Execution, *Corporate Governance, An International Review*, 14(1), 13-22.
16. "Country Groups. High-income OECD members". The World Bank. http://web.worldbank.org/WBSITE/EXTERNAL/DATASTATISTICS/0,,contentMDK:20421402~pagePK:64133150~piPK:64133175~theSitePK:239419,00.html#OECD_members. Retrieved on 2009-01-23